



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۷/۱۵

عبدالقیوم میرزاده

ملت

منافع ملی

دولت - ملت

در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت هشتم)

با آنکه در شرایط حاضر کشور راه های حل بسیار عملی و عادلانه هم میتوان در یافت که مردم ما ویا همین هاییکه شعار های قوم گرایی قوم بر تر و قوم کهنتر را سر داده اند اگر از پوسته های قومی خویش و تأثیر افراد مغرض و نماینده گان کشور های خارجی و گروه های مسلح بی بند و بار دزدان و قاچاقچیان که حدود چهار دهه همه هستی مادی و معنوی ما را نیست و نابود کردند خارج شده و در یک اشتراک بزرگ در سطح کشور در چهارچوب منافع عالیای کشور خارج از تأثیر مداخلات بیگانه در نتیجه انتخابات شفاف و عادلانه دولت ملی خویش را بنام دولت - ملت ایجاد کنند از یکطرف به یک چهارچوب ویا ساختار نظام بر گرفته از اساسات دیموکراتیک یعنی دولت قدرت مند با مشروعیت بیشتر دست می یابیم واز طرف دیگر زمینه تساوی حقوق همه اقوام کشور را که دیگر در تعریف شهروند کامل الحقوق میگذند ودر تمام عرصه های زنده گی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بنام شهروند همسان کامل الحقوق هموار ساخته و زمینه اداره، رهبری و مدیریت سالم قدرت در کشور ایجاد میگردد. در اینصورت دیگر بحث از مدیریت سالم قدرت است که منافع ملی در آن ارجهی داشته و منفعت های شخصی، قومی، گروهی و حزبی دیگر حکم مخالفت با قانون را میداشته باشد و مدیران و اجزای متشکله رهبری به این درک میرسند تا به تعمیم دهنده گان قانون در کشور تبدیل گردند تا به مخالفان قانون زیرا در اینصورت با مخالفینی حکومتی که سیستم را در کشور تهدید میکند و پایگاه شان در خارج از مرز های افغانستان است در یک صف قرار میگیرد و بطورت قانونمند حیثیت همکار و همدست مخالفین کشور را حاصل میکند که دیر یا زود قوانین کشور و فواین بین المللی دامنگیر شان میگردد. در این کارزار آنچه بسیار از اهمیت برخوردار است همانا اراده جمعی همه شهروندان مخصوصاً قشر جوان و نهاد های مدنی میباشد متأسفانه بنابر عدم احساس مسولیت مردم در برابر کل کشور ونا کاره گی جامعه مدنی و روشنفکران ما در راستای آگاهی مردم از وظایف خطیر شان برای دولت سازی و انتخابات تمام ساختار های انتخابی این مردم فریب شعار هایی میان تهی و احساساتی عده از فرصت طلبان را خورده ودر گرو آنها و باور های قومی شان که بر پایه منافع بیگانگان طرح و تطبیق میگردد باقیمانده اند. القاب نا چسپ ودهن شیرین کن مردم سلحشور، با غیرت و با همت به مردم دادن چه دردی ما را دوا میکند؟ هرگز! نه تنها هیچ دردی را دوا نمیکند بلکه مردم را بیشتر از خود بیگانه میسازد، بر عکس مردم باید به این آگاهی برسند که همه این بلا ها بخاطر کج فهمی و نا فهمی آنها و عدم احساس مسولیت آنهاست که بر ما و کشور ما نازل گردیده است. جامعه مدنی و روشنفکران کشور ما تا هنوز هم در سایه فعل و انفعالات جنگ سرد شرق و غرب بعد از جنگ جهانی دوم سیر میکنند، آنها به عوض یک قطبی ساختن افکار جامعه بدور محور وطن و منافع ملی بر عکس افکار مردم را تا میتوانند چند قطبی کرده و با مفکوره های متضاد

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

غیر افغانی مشبوع ساخته و در اسطوره سازی ها، ملامت ها و سلامت ها مصروف اند، نه آنها به اشتباهات، کجروی ها و خیانت هایشان معترف اند و نه مردم به اشتباهات خویش در فریب خوردن وسیله قرار گرفتن در حرکت های مغایر منافع ملی، ضعف فرهنگی و نا آگاهی از نقش اش در تأمین منافع ملی اعتراف دارد. این است که سیر ملت واحد، نهادینه شدن دیموکراسی و ساختار دولت ملی تأخیر پیدا کرده و جایش را گزینه های ضد ملی انقطاب گر و استبدادی پر کرده است. و اگر تا کنون جرعه های اراده جمعی اینجا و آنجا بصورت حرکت های کمتر درون دار و با محتوی سربلند کرده اند، با شعار های مرگ بر افراد معین متمرکز بوده تا به خواسته های اصیل مردمی. در این حرکت ها بسیار بوضاحت عنصر خارج منشی را میتوان دید زیرا آنها بیشتر بر مهره های متشکله دستگاه اداری دولت تمرکز کرده نه به سیستم اداره و همین امر باعث گشته تا فقط مهره ها بر مبنای شیوه های کلاسیک سیستم مافیایی فقط از انظار یک ساحه بدور و در ساحه دیگر فعال نگهداشته شوند، نقد مردم در کل به افراد و اشخاص منحصر گشته است. گرداننده گان این حرکت ها خود جز لاینفک همین سیستم مافیایی اند و چون در پست دلخواه اش گماشته نشده اند نا راض بوده و از احساسات پاک مردم سو استفاده میکنند و به مردم چنین افاده میدهند که این آدم ها یا بهتر بگوییم مسئولین امور فاسد اند که وضعیت کل کشور را خراب کرده اند و ملت به این نا بسامانی مواجه است. اگر مردم با درک مسولیت دیگر فریب این دسایس را نخورند و از گرو قومیت خود را وار هانند و به این اطمینان برسند که رهبری خردمند انتخابی شان این توان را میداشته باشد تا در معادلات و معاملات بین المللی بر پایه منافع ملی عمل کرده و به قناعت متحدین و تمویل کننده گان این آشوبگران قومی و مافیایی میپردازند و مطمئناً روزی کانال های حمایت مالی و تسلیحاتی این نیرو ها قطع میگردد که با قطع آن این گروه های فرصت طلب و آشوبگر نابود میگردد و این را درک کنند که آنها شهروندان کامل الحقوق یک کشوری بنام افغانستان اند که بنابر لنگش سیستم و موجودیت گروه های مسلح تاکنون نتوانسته اند از این حقوق کامل شهروندی بهره مند شوند بایست شعار ها از برکناری افراد به اصلاح سیستم و نهادینه شدن حکومت دیموکراتیک بر اصول زرین انسان محوری، عقل محوری، شایسته سالاری، قانون محوری و شهروند سالاری تبدیل گردد. شما خوب ملاحظه فرمایید در زیر دستور و پالیسی بیگانگان از زمان حکومت مؤقت حامد کرزی تا کنون نتوانسته اند روی کلمه مقدس افغان که هویت هر یک از باشندگان این سرزمین را بنام افغانستان باز تاب میدهد به توافق برسند.

چرا چنین است؟

برای اینکه این کلمه خود هویت حقوقی مردم را تسجیل کرده و از همین جاست که واژه تأمین کننده هویت مشروعیت پیدا کرده صاحب هویت بزرگ افغانی شده و از همین طریق میتوان در راه منافع ملی دست و آستین بالا زد و جلو دسایس دشمنان کشور را که منافع شانرا در همین انقطابات جستجو میکردند گرفت. مسایل و محور فکر مردم با ید روی طرح قوانین دیموکراتیک بر محور منافع ملی در تمام عرصه های زنده گی، اجراءات شفاف، گزارشدهی شفاف، موجودیت رسانه های شنیداری، دیداری و چاپی غیر وابسته به مفهوم غیر وابسته به منافع بیگانگان که با درک سالم از منافع ملی ما در روشنگری اذهان شهروندان سهم بگیرند نه اینکه مردم را بیشتر در این بحران غرق سازند، طرح و پشتیبانی همه مردم از پروژه هایکه بر پایه منافع ملی استوار باشند، ایجاد فضای اعتماد در بین مردم و برخورد قاطعانه در چوکات قوانین کشور با هر نوع حرکت های ضد ملی که مردم کشور را نسبت به همدیگر بی اعتماد میسازد، جلب همکاری مردم در تقویت نظام قانون سالار و دفاع بیدریغ از نهاد ها و ارزش های دیموکراتیک در کشور و ساختار نظام، آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی انتشارات، حق داشتن شغل و مسکن، حقوق بیمه های صحی - بیکاری - بازنشستگی، اصلاح قوانین کشور برای فعالیت جامعه مدنی بر پایه منافع ملی و برخورد قاطعانه با گروهک ها و تشکیلاتی که به عناوین مختلف قصد ایجاد تفرقه میان مردم را دارند و افشای کانالهای تغذیه ملی و بین المللی آنها، همه این کار ها به مردم تعلق دارد مردم و شهروندان کشور ماهستند که همه این کارها را باید انجام دهند نه اینکه همه منتظر معجزه باشیم تا از آسمان کسی بیاید و این زنده گی با سعادت و رفاه را بر ایمان اعمار کند، هر قدر منتظر این معجزه باشیم به همان اندازه خود و کشور خود را در بد بختی های بیشتر و بیشتر غرق خواهیم ساخت. اگر مردم ما از سواد و آگاهی لازم برخوردار میبودند و قدرت و توان تشخیص منافع کشور شانرا میداشتند یقیناً از میان آنها بهترین فرزندان شان با داشتن احساس بزرگ ملی در رهبری کشور کاندید و از جانب آنها انتخاب میگردیدند و در جهت تأمین منافع ملی کشور با بزرگترین قدرت های جهانی میتوانستند چانه زنی کرده و این توان را میداشتند تا در هر نوع شرایط ملی، منطقوی و بین المللی و بحرانهای کشور را بر پایه منافع ملی مدیریت سالم میکردند، مردم و کشور ما به این مصیبت های تباہ کن موجه نمیگردید. بعضی از جامعه شناسان خاصاً جامعه شناسان غربی به این باور اند که مسئله گویش زبان باعث بیشترین ای این مصیبت ها در کشور ما بوده و عامل اصلی نفاق و تخاصم میباشد که جامعه و مردم بنابر خصوصیات قومی و قبیله ای خویش نمیتوانند با این مسئله کنار بیایند و در کلیه مسایل کشوری در زیر بار سکت ها، بخش ها و شعبات زبانی خویش منافع ملی را دیده نمیتوانند.

باور من اینست که گزینه زبان البته در کارزار نیرنگ های سیاسی نیمه دوم قرن بیستم هر از گاهی در میان متصدیان امور دست اندر کاران سیاست و آنهاييکه منافع شان را در تفرقه اندازی میان مردم ميبينند چنانچه در بالا از آن گفته آمدیم از بیرون کشور مأمور گردیده اند تا لایه های سمت دهنده کشور ما را نیز مشتت و پراکنده ساخته به اهداف خویش نایل آیند، کار برد داشته است. که نمونه مثالی از همان سیاست تفرقه انداز و حکومت کن انگلیس است. ولی این مسئله در کشور ما هیچگونه پیشینه تاریخی نداشته ودر هیچ مقطع از تاریخ این محدوده مردم ما بنابر عامل گویش و زبان علیه یکدیگر به مخاصمت بر نخواستند، البته این بیان به این معنی نخواهد بود که مردم در بسا مسایل مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دیگر با هم در تقابل و اختلاف نبوده اند و هر از گاهی در پاره از مسایل ملی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با هم اختلاف نظر داشته اند ولی زبان و گویش هیچگاهی عامل تفرقه و تخاصم نبوده است.

همچنان عده از متفکرین علم اجتماع در اوضاع موجود به این باور اند که در جوامع بشری طرح قوم برتر و یا اقلیت های ملی با تعریف های مختلف که از آن ارائه داده میشود، طرحی است از جانب نظریه پردازان شر انداز و عمال حاکمان ضد ملی کشورها فقط بمنظور تحکیم سیطره شان بر جامعه و جلوگیری از مشارکت ملی همه مردم در اداره و رهبری کشور میباشد. به این ترتیب که آنها از یکطرف یک گروه از مردم را بنام قوم برتر یا قوم حاکم دهن شیرین ساخته که هر مصیبت، ظلم و تعدی که بالایش صورت گیرد چون خود را جزو از حکام تلقی میکند دندان به جگر گذاشته و فریاد بر نمی آورد و به آن گروه های دیگر که حیثیت اقلیت ها را دارند اهانت روا داشته و زمینه را برای سیطره و اهداف شوم سیاسی خویش پیوسته گرم نگهداشته و در هنگام ضرورت از آن بهره برداری سیاسی، اقتصادی و نظامی میکنند.

ناگفته نباید گذاشت که در این راهکارها و نقشه های شیطانی عندالضرورت کشور های خارجی و همسایگان هم سرمایه گذاری ها میکنند که نقش همسایگان در این حرکت های ضد ملی بنابر مشترکات مذهبی، فرهنگی، قومی شان میتواند بسیار خطرناک باشد و در معادلات نهایی حتی حدود جغرافیایی کشورهای منطقه را هم میتواند تهدید کند. که مصمم هستم در این باره تحت عنوان جداگانه توضیح مفصلی خارج از این مجموعه ارائه کنم. (پایان قسمت هشتم)

ادامه دارد